

رابطه حمایت اجتماعی با سبک‌های مدارای با تابآوری در نوجوانان پسر بزهکار

زهرا بهجتی^{*}، محمود خباز^{**}، محمد ناصری^{***}

مقدمه: هدف از مطالعه حاضر، تعیین رابطه حمایت اجتماعی و سبک‌های مقابله با تابآوری در نوجوانان بزهکار ساکن در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران است.

روشن: روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است؛ همچنین ۱۲۰ نوجوان پسر ساکن در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند. اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه‌های سبک‌های مدارای اندر و پارکر (۱۹۹۰)، حمایت اجتماعی ادراک شده و اکس، فیلیپس، هالی، تامپسون، ویلیامز و استوارت (۱۹۸۶) و تابآوری کانتر و دیویدسون (۲۰۰۳) جمع آوری شده است. داده‌ها با روش‌های آماری همبستگی پرسون و رگرسیون تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داده است همبستگی حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارا با تابآوری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت، معنی دار و مثبت است ($0.01 < \alpha < 0.05$). همچنین حمایت اجتماعی و سبک مدارای مستله محور، تابآوری را پیش‌بینی می‌کند.

بحث: با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که افزایش حمایت اجتماعی نهادهای مریبوط، خصوصاً خانواده‌ها از نوجوانان بزهکار، همچنین آموختن مهارت‌های اساسی و مفید روش‌های مدارا با مشکلات، نقشی مهم در افزایش تابآوری آنان دارد.

کلیدواژه‌ها: بزهکاری، بلوغ، تابآوری، حمایت اجتماعی، سبک مدارای

مستله محور، سبک مدارای هیجان‌محور، نوجوانی.

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۳

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

** دانشجوی دکری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. mkhabbazm@gmail.com (نویسنده مسئول)

*** کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

دوره نوجوانی^۱ معمولاً از یازده‌دوازده‌سالگی شروع می‌شود و از دوران‌های بسیار بحرانی زندگی فرد است. ورود به دوره نوجوانی، فرد را با مشکلات فراوانی دست به گریبان می‌سازد. از جمله مشکلات بحران‌آفرین، فرایند بلوغ است. در این دوره، اعصاب بدن و نیز احساسات نوجوان برای تأمین و درک لذت جنسی با یکدیگر همکاری می‌کند. عشق و زیبایی سبب هیجان ظاهری بیشتر فرد می‌شود؛ بهمین دلیل، نوجوان زودتر از بزرگ‌سالان تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی قرار می‌گیرد و مرتكب جرم می‌شود (ستوده، ۱۳۷۶). همچنین، امروزه در جامعه‌ما، توسعه زندگی شهری، گسترش بی‌رویه مهاجرت از روستاهای به شهرهای بزرگ، افزایش حاشیه‌نشینی، بسیاری مشکلات اقتصادی و جوان‌بودن در صد فراوانی از افراد جامعه، باعث افزایش کمی و کیفی آسیب‌های اجتماعی شده و زمینه مناسبی را برای ابتلا به انواع آسیب‌ها، مخصوصاً در قشر جوان، پدید آورده است؛ از جمله این آسیب‌ها، پدیده بزهکاری نوجوانان است (خلجی، ۱۳۸۷). بزهکاری در معنا و مفهوم لفظی، عبارت است از ترک انجام وظيفة قانونی یا ارتکاب عملی خطا که لزوماً عنوان جرم ندارد؛ با وجود این، بزهکاری غالباً معادل جرم و بهویژه جرائم اطفال و نوجوانان به کار می‌رود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷).

نوجوانان بزهکار از خانواده و اجتماع طرد می‌شوند؛ بنابراین دائماً با استرس و فشار روانی عواملی همچون ازدست‌دادن فرصت‌های مختلف تحصیلی و شغلی و نگرانی‌های آینده مواجه‌اند. همچنین، این وضع استرس‌زا به دلیل حضور در زندان و جدایی از خانواده و نگرانی برای آینده خود، همسر، فرزندان و افراد تحت تکفل و احساس ندامت در محیط زندان افزایش یافته و زمینه مساعدی را برای شروع یا شدت‌یافتن اختلالات مربوط به سلامتی در آن‌ها فراهم می‌کند. متأسفانه تاکنون در کشور، فعالیتی چشم‌گیر که مبنایی برای ارزیابی نیازهای جامعه زندانیان و خدمات سلامتی باشد، انجام نگرفته است (اسماعیلی،

1. adolescence

۱۳۸۰)؛ با توجه به این مسئله، در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا متغیرهای روان‌شناسختی مؤثر بر وضع استرس‌زای محیطی نوجوانان بزهکار بررسی شود.

دستگیری، انتقال به کانون و در معرض اتهام جرم قرار گرفتن برای این نوجوانان، استرس فراوانی ایجاد می‌کند. گذر از دوران پراسترس و بازگشت به وضع روانی عادی، مستلزم کنارآمدن با این شرایط است؛ از جمله متغیرهایی که باعث سازگاری هرچه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی می‌شود، تابآوری^۱ است که جایگاهی ویژه در حوزه روان‌شناسی رشد^۲ و خانواده و بهداشت روانی دارد؛ به‌طوری‌که هر روز بر شمار پژوهش‌های مرتبط با این سازه افزوده می‌شود (والر^۳، ۲۰۰۰). تابآوری، بهمثابه فرایندی پویا تعریف می‌شود که در برگیرنده سازگاری مثبت در موقعیت سخت است (لوتار^۴، ۲۰۰۶). در این تعریف، دو شرط اصلی برای تابآوری وجود دارد: ۱. قرار گرفتن در معرض تهدیدی جدی یا موقعیت واقعاً سخت و دشوار؛ ۲. دستیابی به سازگاری مثبت، به رغم حمله به رشد شخصی و تهدید آن (کاسمین^۵، ۲۰۰۹). ممکن است نبود تابآوری در بروز رفتارهای پرخاشگرانه زودهنگام مؤثر باشد (آلن^۶ و کوپر^۷، ۲۰۰۶).

از طرف دیگر، راهبردهای مدارا^۸ با فشار روانی از متغیرهایی است که عامل مراقبتی بسیار مهمی برای افراد در معرض خطر تلقی می‌گردد و به‌طور مستمر، هنگام ظهور عوامل خطربزا در جهت تعديل این عوامل ظاهر می‌شود (بوکائیرتس^۹، ۱۹۹۶). مدارا شامل راهبردهایی است که برای اداره وضعی به کار می‌رود که در آن، بین انتظارهای فشارزای روانی و منابع موجود برای برآوردن این انتظارها، مغایرت وجود دارد (کار، ۲۰۰۴)، لازروس^{۱۰} و فولکمن^{۱۱} (۱۹۸۴) در مدل ابزاری خود، دو روش مدارا را معرفی کردند: مدارای مسئله‌مدار و مدارای هیجان‌مدار. مدارای مسئله‌مدار مستقیماً متوجه منبع تهدید

1. resilience
5. Kasmin
10. Lazarus

2. developmental psychology
6. Allen
7. Cooper
11. Folkman

3. Waller
8. coping

4. Luthar
9. Boekaerts

است. مدارای هیجان‌مدار با هیجانات ناشی از منع تهدید، مقابله می‌کند. افراد تاب‌آور تمایل بیشتری برای استفاده از راهبردهای مدارای مسئله محور دارند و استفاده از این سبک‌های مدارای احتمال مبتلاشدن به بیماری‌ها را کاهش داده یا سبب می‌شود افراد تمایلی بیشتر برای دریافت خدمات سلامت پیدا کنند (لین^۱ و دیگران، ۲۰۱۰).

متغیر دیگری که متخصصان در مباحث مربوط به استرس و تاب‌آوری به آن توجه کرده‌اند و به زمینه اجتماعی مؤثر بر تاب‌آوری توجه دارد، حمایت اجتماعی^۲ است (ریف^۳ و سینگر^۴، ۲۰۰۰). حمایت اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ای گسترده از عوامل حمایتی تعریف می‌کنند که به روابط اجتماعی و آمیزش با دیگران منجر می‌شود. مطالعات فراوانی نشان داده است که حمایت اجتماعی، تأثیر استرس را کاهش داده و اوضاع را بهبود می‌بخشد (ساراسون^۵ و دیگران، ۱۹۸۳؛ شیلی^۶، ۱۹۹۸).

عده‌ای از محققان عوامل مؤثر بر تاب‌آوری کودکانی را که والد زندانی دارند، در مطالعه‌ای بررسی کردند. این مطالعه نشان داد حمایت و همراهی مراقبان از فرد و اجازه ملاقات با والد زندانی تا حد زیادی او را در سازگاری با شرایط یاری می‌کند (نسミت^۷ و روهلند^۸، ۲۰۰۸). با توجه به اهمیت بحث تاب‌آوری در غلبه بر اوضاع نامناسب و پیشگیری از انحراف نوجوانان بزرگوار، شناسایی عواملی که سبب افزایش تاب‌آوری در این نوجوانان می‌شود، بسیار اهمیت دارد. سابقه پژوهشی ذکر شده در جوامع چهار استرس نشان می‌دهد حمایت اجتماعی و شیوه‌های مدارا دو متغیری است که احتمالاً بر تاب‌آوری نوجوانان بزرگوار تأثیر می‌گذارد. در پژوهش حاضر، قصد داریم رابطه حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارای با تاب‌آوری را در نوجوانان بزرگوار مقیم در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران مشخص کنیم.

1. Lin
5. Sarason

2. social support
6. Seeley

3. Ryff
7. Nesmith

4. Singer
8. Ruhland

روش

پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی، از نوع همبستگی است. جامعه این پژوهش از نوجوانان پسر بزرگار ۱۲ تا ۱۸ ساله مقیم در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران تشکیل شده است. آزمودنی‌ها برای حضور در این مطالعه، باید مشخصاتی بدین شرح می‌داشتند: ۱. مذکر بودن؛ ۲. برخورداری از سلامت جسمانی؛ ۳. قرار داشتن در دامنه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال؛ ۴. بزرگوار بودن؛ ۵. سکونت در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران و در غیر این صورت، در گستره آزمودنی‌های این مطالعه قرار نگرفتند. ایجاد حس اعتماد و جلب همکاری این نوجوانان برای مشارکت در پژوهش، به علت ویژگی‌های خاص آنان، دشوار بود. به همین علت، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد؛ بدین ترتیب، آزمونگر پس از حضور در کانون اصلاح و تربیت و برقراری رابطه دوستانه با نوجوانان یادشده، درباره تحقیق، اهداف و مزیت‌های آن، نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها و اطمینان دادن درباره محترمانه‌ماندن اطلاعاتشان، توضیحاتی داده است. پس از جلب اعتماد نسبی تعدادی از نوجوانان، پرسشنامه‌ها در اختیار ایشان قرار گرفته است؛ سپس، آزمودنی‌ها پرسشنامه‌ها را تکمیل کرده‌اند و در هر زمینه‌ای که متوجه نمی‌شده‌اند، از آزمونگر سؤال می‌کردند. پس از بررسی پرسشنامه‌هایی که در اختیار این نوجوانان قرار گرفته است، درنهایت تعداد ۱۲۰ پرسشنامه به طور صحیح تکمیل شده است. داده‌های به دست آمده از این پرسشنامه‌ها نیز به کمک روش‌های آماری همبستگی و رگرسیون تجزیه و تحلیل شده است.

ابزار سنجش

پرسشنامه حمایت اجتماعی: این پرسشنامه را وکس^۱، فیلیپس^۲، هولی^۳، تامسون^۴، ویلیام^۵ و استوارت^۶ در سال ۱۹۸۶ بر مبنای تعریف کوب^۷ از حمایت اجتماعی تهیه

1. Vaux
5. William

2. Philips
6. Stewart

3. Holley
7. Koob

4. Thompson

کرده‌اند. این مقیاس ۲۳ ماده دارد که دربرگیرنده ۳ حیطه خانواده و دوستان و سایرین است. خردۀ مقیاس خانواده و دوستان، هریک ۸ ماده و خردۀ مقیاس سایرین ۷ ماده را دربر می‌گیرد. این آزمون براساس مقیاسی ۴ درجه‌ای (بسیار موافق، موافق، مخالف و بسیار مخالف) ساخته شده است (لطفى، ۱۳۷۲). ابراهیمی قوام (۱۳۷۱) با اجرای این آزمون در گروهی ۱۰۰ نفری از دانشجویان و نیز دو گروه ۲۰۰ و ۵۰ نفری از دانش‌آموزان، ضرایب پایایی درونی و بیرونی را محاسبه کرده و به ترتیب ضرایب ۹۰ درصد و ۷۰ درصد را برای پایایی درونی دانشجویان و دانش‌آموزان و ۸۱ درصد را برای پایایی بیرونی دانش‌آموزان به دست آورده است. او در پژوهش خود نتیجه گرفت که ضرایب به دست آمده، حاکی از میزان دقت، ثبات، قابلیت تکرارپذیری و پیش‌بینی است؛ بنابراین می‌توان از این آزمون برای آزمودنی‌های مشابه استفاده کرد. در پژوهش پیش رو، ضریب آلفای محاسبه شده برای این پرسشنامه ۷۶ درصد محاسبه شد.

پرسشنامه مدارای اندلر^۱ و پارکر^۲ (CISS): این پرسشنامه را اندلر و پارکر، در سال ۱۹۹۰ و به منظور سنجش روش‌های مدارای افراد (نوجوانان و بزرگسالان) در موقعیت‌های فشارزا و بحرانی ساخته‌اند. آنان ابتدا این پرسشنامه ۷۰ ماده‌ای را بر روی ۵۵۹ دانشجوی پسر و دختر اجرا کردند؛ سپس با استفاده از تحلیل عاملی، داده‌ها را تفسیر نمودند و ۳ روش مدارای عمدۀ را استخراج کردند: مدارای مسئله‌مدار و مدارای هیجان‌مدار و مدارای اجتناب‌مدار. اندلر و پارکر در پرسشنامه تجدیدنظر کردند و آن را به ۶۶ ماده تقلیل دادند. سپس آن را بر روی ۳۹۴ دانشجو و ۲۸۴ بزرگسال اجرا کردند و درنهایت، پس از تحلیل عاملی داده‌ها، آن را به ۴۸ داده کاهش دادند. در حال حاضر، این پرسشنامه با ۴۸ ماده، از ابزارهای مطمئن برای سنجش روش‌های مدارا به حساب می‌آید. این آزمون را برای اولین‌بار، اکبرزاده از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد و بدین‌وسیله اعتبار آن ارزیابی شد. برای بررسی قابلیت اعتماد آزمون، پژوهشی درباره ۳۱۳ آزمودنی دختر و

1. Endler

2. Parker

پس از انجام دادن. ضریب آلفای کرونباخ برای عامل مسئله‌مدار، ۹۰ درصد و برای عامل هیجان‌مدار، ۸۵ درصد و برای مدارای اجتنابی، ۸۲ درصد گزارش شد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای محاسبه شده برای عامل هیجان‌مدار ۸۲ درصد و برای عامل مسئله‌مدار ۸۳ درصد محاسبه شد.

پرسشنامه تابآوری (CD-RIS): این مقیاس را دیویدسون^۱ و کونور^۲ در سال ۲۰۰۳، با مرور منابع پژوهشی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ در حوزه تابآوری تهیه کردند. بررسی ویژگی‌های روان‌سنگی این مقیاس، در شش گروه بدین ترتیب انجام شده است: جمعیت عمومی، مراجعت‌کنندگان به بخش مهارت‌های اولیه، بیماران سرپایی روان‌پزشکی، بیماران با مشکل اختلال اضطراب فراگیر و دو گروه از بیماران استرس پس از سانحه. تهیه‌کنندگان این مقیاس بر این عقیده‌اند که این پرسشنامه به خوبی قادر به تفکیک افراد تابآور از غیرتابآور در گروه‌های بالینی و غیربالینی است و در موقعیت‌های پژوهشی و بالینی، می‌توان از آن استفاده شود. این پرسشنامه ۲۵ گویه دارد که در مقیاس ۵ درجه‌ای بین ۰ (کاملاً نادرست) و ۴ (همیشه درست) نمره گذاری می‌شود. بیشترین نمره ۱۰۰ و کمترین نمره ۰ است. محمدی (۱۳۸۴) از این مقیاس در پژوهش خود استفاده کرده است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر، با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شده است که برابر ۸۳ درصد بود.

یافته‌ها

پژوهش حاضر به منظور تعیین رابطه حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارای با تابآوری در نوجوانان پس کانون اصلاح و تربیت شهر تهران صورت گرفت. آزمودنی‌ها شامل ۱۲۰ پسر نوجوان، در محدوده سنی ۱۲ تا ۱۸ سال بودند. نمره‌های آزمودنی‌ها در مورد متغیرهای پژوهش با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده است. نتایج آمار

1. Davidson

2. Connor

توصیفی بر این نوجوانان نشان می‌دهد که میانگین حمایت اجتماعی ۱۹/۵۱، مدارای مسئله محور ۵۰/۳۶، مدارای هیجان محور ۴۸/۹۶، مدارای اجتنابی ۴۸/۶۵ و تاب آوری ۷۶/۸۵ است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت.

متغیرها	تعداد	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد
حمایت اجتماعی	۱۲۰	۷	۳۶	۱۹/۵۱	۵/۹۹
مدارای مسئله محور	۱۲۰	۲۰	۷۹	۵۰/۳۶	۱۲/۶۰
مدارای هیجان محور	۱۲۰	۱۶	۷۹	۴۸/۹۶	۱۱/۳۴
مدارای اجتنابی	۱۲۰	۲۵	۷۲	۴۸/۶۵	۱۰/۵۶
تاب آوری	۱۲۰	۲۵	۱۱۶	۷۶/۸۵	۱۵/۷۹

جدول ۲. نتایج همبستگی پرسون میان حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارا با تاب آوری.

متغیرها	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	مقدار
حمایت اجتماعی	۱۲۰	۰/۳۳	۰/۰۰۰۱
سبک مدارای مسئله محور	۱۲۰	۰/۶۳	۰/۰۰۰۱
سبک مدارای هیجان محور	۱۲۰	۰/۳۲	۰/۰۰۰۱

نتایج آزمون آماری همبستگی پرسون میان حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارا با تاب آوری (جدول ۲) حاکی از آن است که ضریب همبستگی به دست آمده بین حمایت اجتماعی و تاب آوری $=0.33$ بوده که در سطح 0.01 معنی دارد. ضریب همبستگی به دست آمده بین سبک مدارای مسئله محور و تاب آوری $=0.63$ بوده که در سطح 0.01 معنی دارد. همچنین، مشخص شد همبستگی بین سبک مدارای هیجان محور و تاب آوری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت، با اطمینان ۹۹ درصد معنی دارد. ضریب همبستگی به دست آمده بین سبک مدارای هیجان محور و تاب آوری $=0.32$ بود؛ با توجه به اینکه ضریب همبستگی بین متغیرها مثبت است، می‌توان نتیجه گرفت که هرچه نمره نوجوانان کانون اصلاح و تربیت در متغیرهای حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارای

هیجان محور و مسئله محور افزایش یابد، نمره آنان در مقیاس تابآوری نیز افزایش می‌یابد.
تحلیل رگرسیون چندگانه: از نتایج مهم این پژوهش این است که با اطمینان ۹۹ درصد، حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارای قادر به پیش‌بینی تابآوری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت است. جدول ۳ این نتایج را منعکس می‌کند.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارای در پیش‌بینی تابآوری.

R ²	R	p	مقدار F	میانگین مجددرات	درجه آزادی	مجموع مجددرات	شاخص‌ها منع پراکنس
۰/۴۳	۰/۶۵	۰/۰۰۰۱	۲۸/۸۵	۴۲۲۶/۹۵	۳	۱۲۶۸۰/۸۴	رگرسیون
				۱۴۶/۵۰	۱۱۶	۱۶۹۹۴/۴۶	باقی‌مانده (خطا)
					۱۱۹	۲۹۶۷۵/۳۰	کل

همان‌طورکه داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد، مقدار F به دست آمده برابر با ۲۸/۸۵ است که از مقدار F بحرانی جدول در سطح $\alpha=0/01$ با درجات آزادی ۳ و ۱۱۶ ($F=3/94$) بزرگ‌تر است؛ بنابراین، با اطمینان ۹۹ درصد، می‌توان نتیجه گرفت که حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارای قادر به پیش‌بینی تابآوری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت است؛ با توجه به اینکه ضریب همبستگی چندگانه $r=0/65$ به دست آمد، می‌توان گفت که حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارای در مجموع قادر به پیش‌بینی ۴۳ درصد از پراکنش تابآوری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت است.

در انتها نیز نقش هریک از خرد مقیاس‌های سبک‌های مدارای و حمایت اجتماعی در پیش‌بینی تابآوری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت و ضرایب تأثیر w_{β} (β) حاصل از معادله رگرسیون محاسبه شد که جدول ۴ آن‌ها را توصیف می‌کند.

جدول ۴. ضرایب تأثیر حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارای در پیش‌بینی تابآوری.

P	t	Beta	SEM	B	متغیرها
۰/۰۰۱	۶/۶۷	۰/۶۰	۰/۱۱	۰/۷۵	مدارای مسئله محور
۰/۸۴	-۲/۲۰	-۰/۰۲	۰/۱۲	-۰/۰۲	مدارای هیجان محور

۰/۰۳	۲/۴۵	۰/۱۶	۰/۲۸	۰/۶۲	حمایت اجتماعی
------	------	------	------	------	---------------

همان طور که مشاهده می شود، تنها، ضریب بتای سبک مدارای مسئله محور و حمایت اجتماعی معنی دار است و می توان نتیجه گرفت که این دو متغیر از بین ترکیب متغیرهای حمایت اجتماعی و سبک های مدارا، تاب آوری را در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت پیش بینی می کند ($p < 0.05$)؛ بنابراین معادله رگرسیون پیش بینی تاب آوری براساس متغیرهای حمایت اجتماعی و سبک های مدارا در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت را می توان به این صورت نوشت:

$$\text{حمایت اجتماعی} = ۰.۶۰ \times x_1 + ۰.۶۰ \times x_2 \quad \text{سبک مدارای مسئله محور} = x_1$$

بحث

هدف اصلی در پژوهش حاضر، بررسی رابطه حمایت اجتماعی و سبک های مدارا تاب آوری در نوجوانان پسر کانون اصلاح و تربیت شهر تهران است. براساس نتایج به دست آمده در قسمت یافته ها (جدول ۲)، تحلیل داده ها نشان می دهد که حمایت اجتماعی با تاب آوری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت هم بستگی مثبت دارد. این یافته، با یافته های مطالعات برنارد^۱ در سال ۲۰۰۴، چرپرسن^۲، وی و هولکیتیس^۳ در ۲۰۰۷، برون^۴ در ۲۰۰۸، هس^۵ و گریدون^۶ در ۲۰۰۸ و نسمیت و روهلند در ۲۰۰۸ همسو بود. برنارد روابط حمایتی و مراقبتی را منبعی اساسی برای تاب آوری در نظر می گیرد و اظهار می کند افرادی که این نوع حمایت را برای فرد تأمین می کنند، افراد برگشت هستند. این افراد صمیمیت و مراقبت و توجه را برای فرد تأمین می کنند و این در حالی است که به افراد کمک می کنند تا خود را، مخصوصاً توانمندی ها و منابع شان را، بهتر بشناسند. از دیدگاه او، جنبه دیگر محیط اجتماعی که باعث ارتقای تاب آوری می شود، ارائه فرصت هایی برای مشارکت و همکاری است. ارائه این فرصت ها در خانواده و مدرسه و جامعه، عرصه ای برای فرد فراهم می کند تا مهارت هایی همچون حل مسائل اجتماعی و

1. Benard
4. Brown

2. Chairperson
5. Hass

3. Holkitis
6. Graydon

تصمیم‌گیری و ابراز وجود را تمرین کرده و گسترش دهد.

برون در پژوهش خود، ۱۵۴ نفر آفریقایی‌آمریکایی تبار را بررسی کرد تا رابطه اجتماعی کردن قومی و حمایت اجتماعی را با تابآوری این افراد مشخص کند. نتایج این مطالعه مشخص کرد که حمایت اجتماعی و اجتماعی‌کردن ترازی نسبت زیادی از پراکنش تابآوری را تعیین می‌کند.

در مطالعه هس و گریدون که دریاره ۴۴ جوان انجام شد که والدینشان آنان را ترک کرده بودند یا به عبارتی سرراهی بودند، منابع تابآوری این افراد بررسی شد. نتایج این مطالعه نشان داد که ترکیبی از عوامل حمایتی همچون احساس شایستگی، داشتن هدف برای آینده و مشارکت در فعالیت‌های خدمات اجتماعی، در سازگاری و تابآوری و غلبه بر این نابرابری‌ها مؤثر بوده است؛ همچنین، حضور و کمک مریبان و درمانگران و اعضای مؤسسات نگهداری و ارتباط با آنان و نیز داشتن دوستانی همسن‌وسال که فرد بتواند با ایشان تبادل اطلاعات و هم‌حسی داشته باشد، عاملی اساسی در تابآوری و سازگاری افراد سرراهی است.

نسمیت و روهلند با ۳۴ نفر از کودکانی که والدی در زندان داشته‌اند، مصاحبه‌ای دقیق کردند تا عوامل مؤثر بر تابآوری این کودکان را در این وضع به دست آورند. حمایت مراقبان از فرد و همراهی با او و اجازه ملاقات با والد زندانی، او را تا حد زیادی در سازگاری با موقعیت یاری می‌کرد. همچنین، بچه‌هایی که مکانیسم‌های دفاعی مؤثری نداشتند، به حمایت‌های مستقیم، مثل صحبت‌کردن با خود بجهه یا وجود گروه‌های حمایتی، نیاز بیشتری داشتند؛ به علاوه، نتایج به دست آمده نشان داد که سبک مدارای مسئله محور با تابآوری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت رابطه‌ای مثبت دارد. این یافته با نتایج مطالعات کرول^۱ و همکارانش در سال ۲۰۰۵ و محمدی در سال ۱۳۸۴ همسو بود. محققان نشان داده‌اند که افراد تابآور، کمتر مستعد خطرنک و الگوی منسجم مدارای موفقی ارائه می‌کنند (روتر^۲ و دیگران، ۱۹۹۲). نتایج مطالعه محمدی که با هدف پیدا کردن علل گرایش

1. Carol

2. Rutter

افراد به مصرف مواد مخدر انجام شد، نشان داد نمرات گروه سالم در متغیرهای تاب آوری، اعتمادبه نفس، مهارت‌های مدارای مسئله‌مدار و مراقبت و دلبستگی ایمن، بیشتر از نمره‌های گروه مبتلا به سوءمصرف مواد مخدر بود. همچنین در مطالعه طباطبایی و همکاران (۱۳۸۶) به دو عامل محافظت‌کننده درونی و محافظت‌کننده بیرونی در تاب آوری اشاره شده است. عوامل محافظت‌کننده درونی شامل ویژگی‌های فردی می‌شود که تاب آوری را تسهیل کرده و ارتقا می‌دهد. این ویژگی‌ها مهارت‌های زندگی به‌ویژه مهارت‌های حل مسئله، تصمیم‌گیری، ابراز وجود و کنترل تکانه را دربرمی‌گیرد. به‌همین منظور، کارول و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی، نوجوانان مبتلا به سرطان را در جامعه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال مطالعه کردند و متوجه شدند که نمونه‌هایی با سبک مدارای مسئله‌مدار، تاب آوری بیشتری نشان می‌دهند و بالعکس افراد با سبک اجتنابی، تاب آوری کمتری دارند.

از یافته‌های پژوهش پیش رو چنین به‌دست آمد که سبک مدارای هیجان‌محور با تاب آوری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت همبستگی مثبت دارد. این یافته، با یافته‌های کارول و همکاران (۲۰۰۵)، ویلیام^۱ و دیگران (۲۰۰۷) و لین و همکاران (۲۰۱۰) و محمدی (۱۳۸۴) ناهمسو بود. این پژوهشگران دریافته بودند که سبک مدارای هیجان‌محور، با تاب آوری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت همبستگی مثبت ندارد. ممکن است یکی از دلایل ناهمسوی‌بودن نتایج پژوهش حاضر با مطالعات پیشین، نوع موقعیت‌های تنش‌زاگی باشد که نوجوانان شرکت‌کننده در این پژوهش با آن روبه‌رو بوده‌اند. یکی از محققان، در تعریفی از مدارا، سه جنبه کلیدی را برمی‌شمارد:

۱. مدارا، پاسخی موقعیتی است نه اینکه از صفات ثابت شخصیتی ریشه گرفته باشد.
۲. راهبردهای مدارا تلاش‌هایی را دربرمی‌گیرد که فرد در تبادل با محیط انجام می‌دهد و هدف‌دار است؛ بنابراین، مدارا لزوماً عملی نیست که با موفقیت کامل انجام می‌شود، بلکه کوششی است که درجهت غلبه بر شرایط محیطی صورت می‌گیرد. به عبارتی، به

1. William

تلاش توجه می‌شود نه به اثربخشی نتایج.

۳. کنارآمدن فرایندی است که با برخورد خاص، در طول زمان تغییر می‌کند. قبل از شروع عمل مدارا، ارزیابی‌ای از موقعیت وجود دارد و درنتیجه، تلاش‌های مدارا باعث آماده‌شدن ارزیابی مجدد موقعیت می‌شود و تعیین می‌کند از کدام راهبرد کنارآمدن استفاده شود (لازاروس، ۱۹۹۱).

درنهایت، باید گفت که نتایج مطالعه حاضر نشان داده است حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارای، پیش‌بینی کننده‌های خوبی برای تابآوری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت هستند و از بین سه متغیر حمایت اجتماعی و سبک‌های مدارای مسئله محور و هیجان محور، به ترتیب سبک مدارای مسئله محور و حمایت اجتماعی بیشترین نقش را در پیش‌بینی تابآوری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت دارد؛ به علاوه مطالعات دیگری نیز به نقش عمده این دو متغیر در پیش‌بینی تابآوری نوجوانان بزهکار اشاره کرده‌اند؛ از جمله وارنر و اسمیت (۱۹۹۲)، دلمونیکو^۱ (۱۹۹۷)، چتمن^۲ (۲۰۰۶) و کیانی دهکردی و همکاران (۱۳۸۴).

تحقیقات نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی و استراتژی‌های مدارا، مانند سپر، تأثیرات عوامل استرس‌زا را بر سازگاری خانواده و سلامت افراد ختنی می‌کند (مک‌کوبین^۳، ۱۹۹۳). کارول و همکاران در مطالعه نوجوانان مبتلا به سرطان نشان دادند که نمونه‌هایی با سبک مدارای مسئله مدار، تابآوری بیشتری نشان می‌دهند. طباطبایی و همکاران (۱۳۸۶) نیز به نقش دو عامل محافظت‌کننده درونی و محافظت‌کننده بیرونی در تابآوری افراد اشاره کرده‌اند. عوامل محافظت‌کننده درونی شامل ویژگی‌های فردی، مانند مهارت‌های مدارا و حل مسئله و عوامل محافظت‌کننده بیرونی، به حمایت اجتماعی و گروه خانواده و دوستان اشاره دارد که تابآوری را تسهیل کرده و ارتقا می‌دهد. در همین زمینه، جعفری (۱۳۸۹) در پژوهشی درباره افراد وابسته به مواد مخدر، به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های مدارا و سبک زندگی، به نحوی توجه‌برانگیز موجب پیشگیری از عود مصرف مواد افیونی و

1. Delmonico

2. Chatman

3. McCubbin

افزایش تابآوری در افراد در حال آموزش می‌شود. از کانون‌های اصلی حمایت اجتماعی و کاربرد سبک‌های مدارا در نوجوانان بزهکار، خانواده‌های آنان است. طبق نتایج پژوهش نوری (۱۳۸۹) عوامل خانوادگی که جزئی از زمینه اجتماعی است که کودک در آن حمایت می‌شود، تأثیری بسزا در گرایش نوجوانان به بزهکاری دارد. طبق این تحقیق، شیوه تربیتی مستبدانه و سهل‌گیرانه در گرایش نوجوانان به بزهکاری مؤثر است. همچنین، عواملی همچون تعداد اعضای خانواده، تحصیلات اندک والدین، شغل والدین، مقدار درآمد و هزینه زندگی، وضعیت نابسامان اقتصادی، فضای کوچک زندگی، زندگی در محله‌های شلوغ، جدایی و طلاق والدین، فوت والدین، انحرافات و مجرم‌بودن والدین و نیز میزان پایبندی به مذهب، در گرایش نوجوانان به بزهکاری مؤثر است. داشتن دوستان ناباب و اشتغال نوجوانان در سن کم نیز عاملی مؤثر در گرایش به بزهکاری تشخیص داده شد. واکنش نوجوان در برابر فشارهای درون خانواده ممکن است باعث بزهکاری فرد شود. امکان بزهکاری در نوجوانی که واکنشی همچون اذیت و آزار و انتقام از منبع فشار یا توهین و پرخاشگری بروز می‌دهد، نسبت به نوجوانی که در برابر این فشار خود را کنترل می‌کند یا آن را نادیده می‌گیرد، بیشتر است (خلجی، ۱۳۸۷).

گفتنی است در مطالعه پیش رو محدودیت‌هایی وجود داشته است؛ از جمله، باتوجه به اینکه در این موضوع پژوهشی سابقه پژوهشی کمی، خصوصاً در ایران وجود دارد، درمورد بهترین روش اجرای مطالعه و استفاده از پرسش‌نامه‌ها ابهاماتی پدید آمد که نیازمند تحقیقات فراوان در حوزه داخل و خارج کشور بود. همچنین، چون جامعه پژوهش را نوجوانان بزهکار تشکیل می‌دهند، برقراری ارتباط با آنان به منظور تکمیل پرسش‌نامه‌ها به‌طور صحیح، بسیار سخت بود. نیز از آن‌رو که اجرای آزمون نیازمند ورود به کانون اصلاح و تربیت بود، حضور در کانون نیز به‌علت نیاز به هماهنگی‌های فراوان، فرایند پژوهش را طولانی تر کرد.

باتوجه به یافته‌های پژوهش حاضر که مبنی بر نقش مهم مهارت‌های مدارا و حمایت

اجتماعی در تابآوری نوجوانان بزهکار است، می‌توان نتیجه گرفت که افزایش حمایت اجتماعی نهادهای مسئول برای نوجوانان بزهکار، خصوصاً برقراری ارتباط و پیوند عاطفی و حمایتی مجدد نوجوانان بزهکار با خانواده‌هایشان، در افزایش تابآوری آن‌ها نقشی مهم دارد؛ درواقع، روابط حمایت‌کننده و انسانی، انتظارات فراوان و ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت افراد، عوامل محافظ و ارتقادهندۀ تابآوری درنظر گرفته می‌شود. همچنین آموختن مهارت‌های مدارای مسئله محور و چگونگی تجزیه و تحلیل مسائل براساس منطق و نحوه کنارآمدن با آن‌ها به افزایش تابآوری در نوجوانان بزهکار منجر می‌شود. برگزاری کارگاه‌های مهارت‌های زندگی با تأکید بر مهارت‌های حل مسئله، اجتماعی‌بودن، توانایی دوستداشتن و دوستداشته شدن، توانایی ایجاد روابط مثبت، پیشگامی در ایجاد روابط و پیوندهای صمیمی، تقویت روابط حمایت‌گرانه و مهربانانه با دیگران، در این خصوص مفید است.

درنهایت، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده که تابآوری را در نوجوانان بزهکار بررسی می‌کند، تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی، مثل موقعیت اجتماعی‌اقتصادی خانواده‌ها و میزان تحصیلات خانواده و خود فرد و شغل والدین را بررسی کند.

- ابراهیمی قوام، ص. (۱۳۷۱)، تعیین ضرایب پایابی و همبستگی سه مفهوم حمایت اجتماعی، عزت نفس و مرجع کنترل بر روی دانشجویان و دانش آموزان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- اسماعیلی، الف. (۱۳۸۰)، بررسی وضعیت سلامت روانی زندان های استان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تهران.
- خلجمی، م. (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر بزرگاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران آزمون تحریی ثوری فشار را بر اکنیو، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ستوده، د. (۱۳۷۶)، جامعه شناسی انحرافات، تهران: ققنوس.
- طباطبایی و کیلی، م. و قره آقاجی، س. (۱۳۸۶)، راهنمای عملی پیشگیری مشارکتی مدرسه محور (با تأکید بر سوء مصرف مواد)، تهران: هنر اول.
- کار، آ. (۱۳۸۵)، روان شناسی مثبت، (ترجمه پاشا شریفی و نجفی زند)، تهران: سخن.
- کیانی دهکردی، م. و همکاران (۱۳۸۴)، عوامل مؤثر بر تاب آوری فرزندان افراد واپسی به مواد و مقایسه آن با افراد غیر واپسی، مجله پژوهشی حکیم، دوره ۸ (۲): ۳۱-۳۶.
- لطفی، ح. (۱۳۷۲)، بررسی رابطه منبع کنترل و حمایت اجتماعی با همنگی اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمدی، م. (۱۳۸۴)، عوامل مؤثر بر تاب آوری افراد در معرض سوء مصرف مواد، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرند آبادی، ع و هاشم بیگی، ح. (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نوری، ز. (۱۳۸۹)، بررسی تاثیر خانواده نابسامان در گرایش فرزندان نوجوان به بزرگاری در شهر اهواز، ماهنامه اصلاح و تربیت، ش. ۹۶.
- Allen, R., Cox, J., & Cooper, N. (2006). The impact of a summer day camp on the resilience of disadvantaged youths. *Journal of physical Education, Recreation & Dance*, 77(1): pp17-23 .
 - Bernard, B. (2004), Resiliency: what we have learned, San Francisco, CA: Wested.
 - Boekaerts, M. (1996), Self regulated learning at the junction of

- cognition and motivation, *American psychology Association*, 1(2): pp100-112.
- Brown, D . L. (2008), African Americans, socialization, social support, social psychology, Race, parents & parenting, Mental health. *Journal of Black psychology*, 34(1): pp32-48 .
 - Carol, L., Decker., Msw., Joane., & Hase. (2005), *The Relationships of uncertainty, family, social support and resiliency to coping in Adolescents with cancer*, RN Indiana university, Indianapolis IN .
 - Chairperson, L. S., Way, W., & Holkitis, P. (2007). *Resiliency in women with early traumatic experience, An examination of level of secure attachment, optimism, spiritual well-being, locus of control, psychological equilibriumand social supportas potential predictor of successful outcome*, New York university .
 - Chatman, L. D. (2006). *Risk and resiliency among inner city minority adolescents a study of coping and ethnic identity*, Ph.D dissertation, University of California.
 - Connor, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003), Development of a new resilience scale: The conner-Davidson scale(CD-RISC). *Journal of depression and anxiety*, 18(2):pp76-82 .
 - Delmonico, L. J. (1997), Stressful life events and resiliency: Coping responses, social support resources, hardiness, and perceived childhood family relationships in adult children of alcoholics. Dissertation abstracts International: Section B: *The sciences and Engineering*, pp419-421.
 - Endler, N., & Parker, J. D. A. (1990), Multidimensioal assessment of coping. A critical evaluation. *Journal of personality and social Assessment*, 58(5): pp844-854.
 - Hass, M., & Graydon, K. (2009), Source of resiliency a mong successful foster youth. *Children and youth services review*, 31:pp457-463.
 - Kasmin, M. (2009), In face of adversity: An ecological approach to understanding the resiliency of disadvantaged kindergarteners, Rutgers the state university of new jersey-new Brunswick, 215:3350125.
 - Lazarus, R. S., & Launier, R. (1978), Stress-related transactions between person and environment. In L A Pervin and M Lewis (Eds), (1978). *Perspectives in interactional psychology*, pp287-327 .
 - Lazarus, R. S., & Folkman. (1984), Coping and adaptation in gentry wolled, Hand book behavioral medicina. Guilford press.
 - Lazarus, R. S. (1991), *Emotion and adaptation*. oxford University Press: New York.
 - Lin, L. Y., Orsmond, G. I., Coster, W. J., & Cohn, E. S. (2010) Families of adolescents and adults with autism spectrum disorders in Taiwan: the role of social support and coping in family adaptation and maternal well-being, *Research in autism spectrum disorders*, 5(1): pp144-156 .
 - Luthar, S. S. (2006), Resilience in development: A synthesis of research across five decades, *Developmental psychology*, 3: pp739-795.
 - Mc Cubbin, M. A. (1993), Family stress Theory and the development of

- Nursing Knowledge About Family Adaptation, In, Feetham, S. L., meister, S. B., Bell, J. J., & Gillis, C.l (Ed.) *The Nursing of Families*, pp46-59.
- Nesmith, A., & Ruhland, E. (2008), Children of incarcerated parents: *challenges and resiliency in their own words. Journal homepage*: www.elsevier.com/locate/child youth .
 - Ryff, & Singer. (2000), Biosychosocial challenges of new millennium, *Psychotherapy and psychosomatic*, 69: pp170-1171.
 - Rutter, M. (1987), Psychosocial resilience and protective mechanisms. *American Journal of orthopsychiatry*, 57: pp316-331 .
 - Sarason, I. G., Levine, H. M., Basham, R.B., & Sarason, B. R. (1983), Assessing social support: The social support questionnaire, *Journal of personality and social psychology*, 44: pp 127-139.
 - Seeley, C. (1998). *The effects of social support on psychological Resiliency, Southern Connecticut state university*.
 - Vaux, A., Philips, J., Holley, L., Thompson, B., William, D., & Stewart, D. (1986). The social support appraisals (SSA) scale: Studies of reliability and validity, *American Journal of Community Psychology*, 14(1): pp19-219.
 - Waller, M. (2000), Resilience in the ecosystemic context: Evolution of the concept American, *Journal of orthopsiyatry*, pp290-297.
 - Werner, E. E., & Smith, R. S. (1992), Over coming the odds: high risk children from birth to a Zeidner, M., & Endler, N. (1996), Hand book of coping, New York: wileydulthood, New York: cornell university press.
 - William, M., Teasdale, J., Segal, Z., & Kabat-Zinn, J. (2007), The mindful way through depression: *Freeing Yourself from Chronic Unhappiness. Guilford Publications: New York*.